



چرا آیت الله خمینی "فدائیان خلق" و "مجاهدین خلق" را

وابسته به رژیم گذشته می نامد؟

آیت الله خمینی در هفته گذشته طی سخنرانی در برابر "اعضاء شوراها و سلامی کارگران فدائیان خلق" و "مجاهدین خلق" را متهم به وابستگی به رژیم خونخوار روسنگون شده شاه کرد. وی یکبار دیگر "فدائیان خلق" این فداکارترین و صدیقترین فرزندان خلق زحمتکش ایران را نیز "مجاهدین خلق" را که در شرایط حاکمیت سیاهترین و خونخوارترین رژیم تاریخ معاصر ایران مبارزه ای قهرآمیز و تپای جان

برخاستند، مورد تهمت و افترا قرار داد و گفت: "اگر یک دزدی را یک جانی کشتند و از طایفه شما بود، آنوقت شما می شوید انقلابی" در حالیکه اکنون حتی برای توده های ناآگاه نیز این حقیقت روشن و آشکار است که آنها تا پای جان علیه رژیم مخلوع شاه و امپریالیسم مبارزه کردند، و جان باختند. چنین سخنانی از جانب آیت الله خمینی چه معنایی میتواند داشته باشد. بقیه در صفحه ۲

تاریخ نشان داده است که شرایط اقتصادی و وضعیت زندگی توده ها بسیار نیرومندتر از بهترین سخنرانیهاست. به همین دلیل بدون مبارزه جدی و پیگیر علیه سرمایه داران و زمینداران هیچ معجزه ای رخ نمی دهد.

لغو اجازه میتینگ و راهپیمائی

گامی دیگر در جهت

اعمال فشار بر نیروهای انقلابی است

راهپیمائی و اجتماعات ابطال شد و تا آغاز رسمی کار مجلس هیچ مجوزی برای برگزاری راهپیمائی و تشکیل اجتماعات داده نخواهد شد. "اوتاکید نمود بقیه در صفحه ۴

رسمی مجلس ممنوع اعلام نمود وی طی مصاحبه ای گفت: "با توجه به رهنمودهای امام درباره فعالیت سیاسی برخی از احزاب و گروههای سیاسی، کلیه مجوزهای برگزاری

بدنبال لغو، اجازه مراسم یادبود شهدای تیرماه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در میدان آزادی، وزیرکشور برگزاری میتینگ و راهپیمائی گروههای سیاسی را تا آغاز کار

اعدام انقلابیون را محکوم میکنیم

در صفحه ۸

نمایندگان خورده بورژوازی

مسئله ارضی

مسئله ارضی و چگونگی سر خورد دولت جمهوری اسلامی به آن از جمله مسائلی است که در تشخیص ماهیت طبقاتی دولت کنونی دارای اهمیت فراوان است. همانطور که میدانیم پس از قیام دولت موقت آقای بازارگان نه تنها در صدد حل انقلابی مسئله ارضی بر نیامد بلکه بنا به ماهیت خویش دفاع از زمینداران را در دستور کار قرار داد. "لایحه زمینداری" که توسط وزیر کشاورزی دولت بازارگان بمنظور بهبود کشاورزی و حمایت بازارگان نه تنها در صدد حل

پیام خانواده شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در صفحه ۴

در این شماره:

جاودان باد خاطره شهادت قهرمانانه کارگران نساجی قائم شهر (شاهی)

صفحه ۷

آقای بهشتی باز هم عوامفریبی می کند!

صفحه ۸

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۳)

صفحه ۵

کمیسیون ویژه تصفیه توطئه جدید علیه شوراها

اینکه بورژوازی کنترل کارخانه ها را از طریق شوراها تحمل نکند موضوع تازه ای نیست. تاریخ مبارزات کارگران در بسیاری از کشورهای جهان بارها آنرا اثبات کرده است. اسناد انترناسیونال سوم این بقیه در صفحه ۳

چرا آیت الله خمینی ...

سخنان آیت الله خمینی چه نتایج را در بر خواهد داشت؟
مسلمانان "توده های خلق ما، کارگران و
زحمتکشان که خود نیروی اصلی درسنگونی رژیم شاه بوده اند
این اتهامات را باور نمی کنند و بیشتر از پیش باین گفته های آیت
الله خمینی با نا باوری می نگرند. آنها در میدان نبرد بخوبی
شاهد بودند که چه در سالهای سکوت و رکود سیاسی و چه در
زمانیکه جنبش خلق تدریجاً "اوپر گرفته" به قیام مسلحانه علیه
رژیم منفور شاه بدل می گشت، "فدائیان این بی کبر
ترین فرزندان خلق" با شور و شوق انقلابی و قلبی سرشار
از عشق به توده ها، با تمام توان و نیروی مبارزه ای حماسه آفرین

برخواستند. در عین حال آبی می توان فراموش کرد که در نخستین
لحظات قیام، بلندگوهای که بر مینی بوس ها نصب شده بود
در کوچه و خیابان تحت این عنوان که "فاهنوز دستور جهاد
نداده است"، توده ها را از دست بردن با سلاح، حمله به
پادگان ها و قیام مسلحانه علیه رژیم پوسیده سلطنت منع
می کردند؟ آری تاریخ فراموش نخواهد کرد، که هنگامیکه
سازمان ما توده ها را به درهم کوبیدن قهرآمیز کارگزاران سرکوبگر
رژیم منحط پهلوی فرا می خواند، افرادی نظیر آیت الله
بهشتی و بازگان و... که اکنون در راس امور در بالاترین
پست های دولتی جای دارند، با ژنرال هوپرز آمریکایی و
ژنرالهای ارتش مزدور و ضد خلقی مشغول مذاکرات مسالمت
جویانه و توافق بودند!!

ولی سؤال اساسی اینست که چرا او با چه انگیزه هایی آیت الله
خمینی چنین نطق هایی را ایراد می کند؟ پاسخ ما به سؤال فوق
چنین است:

او از یکسو تشدید بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه و
نا توانی رئیس جمهور، شورای انقلاب و گسترش تضادهای
درونی دولت و بطور کلی ضعف قدرت دولتی را می بیند و در
سخنرانی بعدی خود اذعان دارد که دولت به هیچ وجه قادر به
تامین حداقل زندگی و پاسخگویی بمطالبات توده ها نیست، و
از سوی دیگر گسترش اعتراضات، رشد جنبش توده های و تمایل
روزافزون آنها در پیوستن به صف
سازمانهای نظیر سازمان چریکهای
فدائیی خلق و مجاهدین خلق را مشاهده می کند.
به همین دلیل در سخنان خود ضمن اعلام هشدار و حتی سرزنش
"مسئولین دولتی"، سازمانهای انقلابی و مترقی را هدف حمله و
اتهام قرار داده و توده ها را دعوت به سکوت می کند. اگر چه

بقیه از صفحه ۱

می توان پیش بینی کرد که هشدار آیت الله خمینی به "مسئولین
دولتی" امیدهایی را در میان توده ها برای بهبود وضع زندگی
بر می انگیزد، اما آنها بیش از پیش در شجره زندگی و مبارزات
خویش درمی یابند که وضع موجود نه تنها تغییری اساسی در
جهت خواسته ها و انتظارات آنان نمی دهد بلکه تاثیر سخنان وی
غیر از عملی شدن رفرمهای جزئی در هر مقطع، تنها نقش مسکن
را ایفا می نماید.

کارگران و زحمتکشان خواهند فهمید که هیچ هشدار و اخطاری
از جانب هر کس که باشد، نمی تواند ماهیت دولت را تغییر
داده و یا نقش آن در سرکوب مبارزات حق طلبانه توده ها و
پشتیبانی از سرمایه داران و زمینداران را پنهان کند.

دیگر دعوت توده ها به سکوت و سکون و تحمل مصائب و
رنجهای بی شمار نمی تواند پاسخی قابل قبولی برای آنان باشد.
تاریخ نشان داده است که شرایط اقتصادی و وضعیت زندگی
توده ها بسیار نیرومندتر از بهترین سخنرانیهاست. به همین
دلیل بدون مبارزه "خوبی و پیگیری علیه سرمایه داران و زمینداران
هیچ معجزه ای رخ نمی دهد. فقر، گرسنگی، گرانی، بیماری و
اعتیاد و فحشاء تنها ریشه کن نمی شود بلکه گسترده تر می گردد.

در جامعه ای که توده های مردم از جانب اقلیت ناچیزی از
سرمایه داران و زمینداران تحت استثمار و ستم فرادارند، هیچ
نصیحت و سخنرانی نمی تواند، جلوی رشد آگاهی و پیشرفت و
تکامل مبارزات آنان را بگیرد. تا زمانی که نمایندگان سیاسی
سرمایه داران، اصلی ترین اهرمهای قدرت اجرایی را بدست
داشته باشند، هیچ نوع هشدار نمی تواند جز تغییرات جزئی
و یا سطحی نظیر تغییر آرمها و نام های شاهنشاهی، دگرگونی
ملاموس مهمی در عملکرد آن پدید آورد.

ما "فدائیان خلق"، اکنون از این جنبشها پشتیبانی می کنیم،
کارگران و کلیه توده های زحمتکش را علیه سرمایه داران و زمین
داران به مبارزه جوئی فرامی خوانیم، در مبارزات آنان شرکت
می جوئیم و سعی در هدایت صحیح و اصولی آن داریم. آیا
به همین دلیل است که آیت الله خمینی ما را وابسته رژیم
گذشته و یا امپریالیسم خونخوار آمریکا مینامد؟!

مبارکگران می گوئیم در راه تحقق آرمانهای طبقاتی و حقوق
اجتماعی خود علیه سرمایه داران و دولت حامی آنان مبارزه
کنید. آنها را مجبور کنید که در برابر شورشهای واقعی تان عقب
بنشینند.

مبارکگران می گوئیم آگاهی سیاسی و اجتماعی تان را ارتقا
دهید. بکوشید با سازماندهی هر چه مستحکمتر، علمبرنامه
اختلافات عقیدتی، متحدانه بیکار کنید.

به سرمایه داران این فرصت را ندهید که از اختلافات عقیدتی
تان برای کسب سود بیشتر استفاده کنند.

آری "فدائیان خلق" خواهان نابودی سرمایه داران و زمین
دارانند زیرا معتقدند که تمامی دردها و رنجهای کارگران و
زحمتکشان ناشی از ستم و بهره کشی آنان است. بعلاوه،

"فدائی" وقتی میان کارگران می رود آنان را هر چه بیشتر باین
مطلب آگاه می کند که همین سرمایه داران پایگاه اجتماع
طبقاتی امپریالیستها و از جمله امپریالیسم آمریکا در مین سا،
هستند. بدون مبارزه علیه این پایگاه نمی توان بطور واقعی و همه
جانبه از سلطه آنان رها شد. حاکمیت کنونی از این پایگاه
پشتیبانی می کند.

ما معتقدیم که نمی توان تنها با شعار به جنگ امپریالیستهارت
بلکه باید مبارزه علیه امپریالیسم جهانی سر کردگی امپریالیسم
آمریکارابا مبارزه علیه سرمایه داران و زمینداران یعنی با پایگاه
و متحدان داخلی آنان در آمیخت.

آیت الله خمینی ما را بدلیل این اعتقادات و به سبب
آنکه چنین اعتقادات صحیحی را در میان توده ها تبلیغ و
ترویج کرده و سطح آگاهی آنان را ارتقا می بخشیم، "ریشه
های رژیم گذشته" و "عامل امپریالیسم آمریکا" می نامد؟! آیا
آیت الله خمینی باین مطالب آگاه نیست؟! آیا او نمی داند که
بسیاری از مردم باین مسائل آگاهند؟! آیا او نمی داند که در آینده
توده های بیشتری بآن آگاه خواهند شد؟

در پایان باید متذکر شویم که این سخنرانی آیت الله خمینی با
هر نبیتی که صورت گرفته باشد، در خدمت سرمایه داران و زمین
داران بوده و از نظر سیاسی حزب جمهوری اسلامی را در تهاجم
همه جانبه علیه آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده ها
به پیش خواهد راند. فضای اختناق و سرکوب گسترش خواهد
یافت.

در واحدهای تولیدی و کارخانه ها، شوراها و واقعی مورد
هجوم بیشتری فرار می گیرند و با دستاویزهایی نظیر "پاکسازی
های ادارات" و "گسترش" انقلاب فرهنگی! حداکثر
کوشش برای شناسائی و اخراج کارگران
و کارمندان آگاه و انقلابی بعمل
خواهد آمد و برای منحرف ساختن افکار عمومی عده ای از عوامل
و وابستگان رژیم گذشته را نیز مشمول این "پاکسازی" می کنند
و با اقدامات خود جنبه انقلابی نیز می بخشند. اما آتش مبارزه
طبقاتی توده ها بیشتر از پیش شعله ور خواهد شد.

اعتراض کشاورزان کپورچال به قطع آب

کشاورزان ناحیه کپورچال و حومه (بین آسترا
و بندرانزلی) روز جمعه بیست و سوم خرداد در جاده
انزلی - آسترا را اجتماع کرده و دست به تظاهرات
و بستن جاده زدند. تظاهرات کشاورزان بخاطر
این بود که از حدود چند هفته قبل آب مورد نیاز
برنجزارهای کپورچال که بوسیله کانال انحرافی
از سد سفید رود تامین میشد قطع شده و تمام
برنجزارها در معرض نابودی قرار گرفته است.
دلیل قطع آب برنجزارها اعمال نفوذ شخصی است
بنام ولی کریمی از زمینداران بزرگ منطقه،

بین شخص بعد از قیام رئیس کمیته بوده و حالا
هم از طرف دولت مسئول آبرسانی شده است، او
با سوء استفاده از همین مساله و با کمک جهاد
سازندگی، آب را بطرف زمینهای خودش برگردانده
است.

کشاورزان کپورچال روز بیست و سوم
خرداد می گفتند اگر بیست روز دیگر آب به مزارع
میرسد آنها میتوانند مستند محصول برداری کنند.
همان روز بعد از ظهر از طرف فرمانداری و سپاه
پاسداران آمدند و گفتند چون جمعه است نمیشود

رسیدگی کرد و کشاورزان را بزور مجبور کردند که
جاده را باز کنند. کشاورزان می گفتند "جای
اینکه پاسداران را سراغ کریمی زمیندار
بفرستند به مقابله با ما اعزام میکنند" و یا
"چرا دولت وام های رژیم سابق را که ما نداریم
بدهیم حالا طلب میکند و ما را تحت فشار میگذارد
چرا نه بذرو آب بماند و نه وسایل کشاورزی
اگر دولت کمک کند ما میتوانیم بیشتر تولید
کنیم و دولت دیگر مجبور نباشد برنج آمریکائی
وارد کند".

استقلال - کار - مسکن - آزادی



کمیسیون ویژه تصفیه توطئه جدید

بقیه از صفحه ۱

اعتصاب سه ساعته کارگران روزنامه کیهان برای گرفتن سود ویژه

کارگران روزنامه کیهان روز چهارشنبه چهارم تیرماه جهت گرفتن سود ویژه، بمدت سه ساعت اعتصاب کردند. ابتدا نماینده یزدی به نام "میرخانی" که قبلا کاردار سفارت جمهوری اسلامی در ژاپن بوده است در جمع کارگران حاضر میشود و میگوید بدعت نداشتن بودجه نمیتوانیم سود ویژه بشما بدهیم و به کارگران میگوید باید افتخار کنید که من باشم صحبت میکنم، کارگران بشدت نسبت به حرف او اعتراض میکنند و یکی از نمایندگان کارگران میگوید "سود ویژه بخشی از حقوق ماست که تحت این عنوان بما میدهندند ندادن سود ویژه بمعنای نپرداختن حقوق ماست. این چیزی نیست که به لطف جناب عالی بستگی داشته باشد. سود ویژه حق قانونی ماست." گفته های وی مورد تائید همه کارگران قرار میگیرد. نماینده یزدی به کارگران وعده میدهد که بعد از ظهر خود یزدی با آنها صحبت خواهد کرد.

کارگران برای نشان دادن قدرت و توانائی خود، علیرغم سه ساعت اعتصاب، روزنامه را یکساعت زودتر از معمول آماده توزیع میکنند. بعد از ظهر یزدی در جمع کارگران حضور پیدا میکند و بعضی پاسخ دادن به خواست آنها میگوید: من نیز چون شما زحمتکش بوده و هستم و الان هم در دربار بنیال خانه می گردم ولی قدرت اجازه کردن خانه مناسی را ندارم و خلاصه پس از یک سری عوا مفریبه میگوید: ما سعی میکنیم که حتما سود ویژه را بشما بپردازیم ولی اینکار وقت میخواهد، ما باید این مبلغ را از بنیاد مستضعفین تقاضا کنیم.

کارگران همچنان ضمن اعتراض به نماینده یزدی وسخنای او در جمع کارگران خواستار سود ویژه خود هستند که بقول نماینده کارگران - بخشی از مزدها است که نام سود ویژه بر آن گذاشته اند.

کمکهای مالی دریافت شده

ف - ف	۲۰۰۸	ز - م	۲۲۴۷	رفقا! کمکهای مالی خود سازمان را در اجرای وظایف انقلابی اش باری رسانید. کمکهای خود را با ذکر "کد" برای ما بفرستید و چنانچه پس از هفته (کد + مبلغ) چاپ نشد، بما یادآوری کنید.
۵۷۴۷	۱۸۵۱۰۰	س - س	۸۱۴۷	
ک - ک	۲۱۳۵۰	ن - ن	۱۲۴۷	
۱۹۱۵۰	۴ - ۴	و - و	۱۲۴۷	
	۳۲۹۲۲۲	ش - ش	۵۰۳۱	
	۱۳۱۱	۱۷۴۷	۶۶۶	
	۵۳۸۱	ه - ه	۲۲۵۲	
	۱۷۴۷	ف - ف	۵۰۰۰	
	۵۷۴۷	ز - ز	۳۵۲۰۱	
	۱۰۰۷۷	ح - ح	۲۰۰۸۸	
	۲۶۴۴	ب - ب	۱۲۴۷	

نامه از مقامات رژیم سابق، گرفتن امتیاز، و هزاران اتهام دیگر گوشه ای از فعالیتها ی توطئه گرانه این کمیسیون بوده است که همچنان بکارش ادامه میدهد.

نمایندگان مبارز یک واحد بجرم رشوه خواری دستگیر میشوند، نمایندگان گان واحد دیگر بجرم اختلاس و با لایحه نمایندگان گان آگاه واحد سوم رژیم سابق مرتبط میشوند. خلاصه حاکمیت با انواع پرونده سازیها میکوشد کارگران پیشرو و آگاه را از میدان به در کند و مبارزات کارگران را فرو نشاند و یا حداقل مهار نماید. عناصر پیشرو و آگاه که تا کنون با اتکا به توده کارگران مبارزه را به پیش برده اند این بار نیز روش جدید دولت جمهوری اسلامی را با توسل و اتکا به توده ها خنثی کرده و میکنند.

آنها با طرح مسالسه در مجمع عمومی شوراها عملا و برپایه اعتقاد عمیقشان به توده ها، امر بررسی پرونده و تصمیم گیری درباره خود را به آنها وامیگذارد و با این کار خودنه تنها میکوشند توطئه های دولت را خنثی کنند بلکه با تبدیل مجمع عمومی به هیئت دادگاهی خلقی، هیئت حاکمه را به محاکمه میکشند و آگاه های کارگران را نسبت به ماهیت حرکات و اقدامات ضد کارگری آن ارتقا میدهند.

طریقت آنها را از توده ها جدا کند.

این روش، اگرچه در ابتدا تا حدودی موفق بود اما گذشت ایام، این امکان را ب میزان قابل توجهی از هیئت حاکمه گرفت. علت آن بود که توده کارگر عمل و در تجربه خود دریا فتند که پیگیر ترین و قاطع ترین کارگران در مبارزه علیه سرمایه داران و در دفاع از منافع کارگران همین با اصطلاح "خلالگران" و "خرابکاران" به همین دلیل علیرغم تبلیغات وسیع هیئت حاکمه کارگران از نمایندگان خود بطور وسیع حمایت و پشتیبانی میکردند.

این روش هیئت حاکمه نه تنها موجب تخفیف مبارزه جوشی کارگران نشد بلکه ماهیت دولت را عریا نتر کرد، این بود که روش خود را مجددا تغییر داده و این بار از مجرای دیگری وارد شد: دروغ پردازی و وارد آوردن کثیف ترین اتهامات به مبارزین آگاه و پرونده سازی علیه آنها.

در این رابطه بود که کمیسیونی ویژه همین پرونده سازیها سازمان داده شد و از چند ماه قبل کارش را فعالانه شروع کرد. این کمیسیون شامل نماینده وزارت کار، صنایع و معادن، و داستانی انقلاب و... است. تنظیم پرونده های اختلاس، رشوه خواری، اختلاس دادن، امتیازات ویژه برای خود (اضافه کار، پاداش و غیره) گرفتن تشویق

صنعتی لبرز) و همچنین در جلسه نمایندگان شورا های کارگری چنین گفت: "اگر شورا های کارگری نخواهد حسای مدیریت را بگیرد تداخل پیش میآید و مصیبت آن بر سر تولید میآید و در نتیجه هم برای شما اشکال ایجاد میکند و هم برای کشور که یکی از آنها مشکل گرانی است."

هدف ما در این نوشته پرداختن به رابطه شورا های حکومتی با ماهیت بورژوازی نیست بلکه قصد ما و آشناساندن روش جدید سرکوب شورا ها یعنی پرونده سازی میباشد که وسیعاً مورد استفاده دولت قرار گرفته است. تا نیا راه راه حل مقابله با این روش سرکوب که بدفعات در مبارزات جاری کارگران به کار گرفته شده و موفق بوده است. بمورد اول میردایم: بورژوازی نمایا نندیشید که مگر نه اینکه این کارگران پیشرو و آگاه را - خانجته و بعبارت دیگر "رهبران" هستند که کارگران را به مبارزه میکشاند و بمقابله با سرمایه داران و میدارند، پس راه مقابله با آن، از میدان بدر کردن پیشروان و عناصر آگاه است. به همین دلیل هم بود که از مدت ها قبل با استفاده از کلیه زائده های خود (انجمن های اسلامی، سازمانهای سیاسی و ایدئولوژیکه) کوشید بر زمینه نا آگاهی توده های کارگری و تبلیغات مسموم رژیم سابق، عناصر پیشرو را "خلالگر" و "خرابکار" بنا مدوا ز این

اشغال در ذهن توده های وسیع مردم، احترام - مذهبی به نظام مالکیت خصوصی را در هم میپاشد. اشغال کارخانه ها اگر ضلعت یک جنبش توده ای را داشته باشند بزرگترین تهدید برای رژیم بورژوازی محسوب میشوند. این جهت طبقه کارگر به هیچ وجه نباید از این شکل مبارزه صرف نظر کند." (تاکید از ماست). دولت موقت جمهوری اسلامی نیز از همان آغاز، رودر روی شوراها قرار گرفت و با اشکال و شیوه های مختلف کوشید آنها را در هم بکوبد.

ضرب و جرح و با زداشت و محاکمه و زندانی کردن نمایندگان کارگران اعلام انحلال شوراها توسط ارگانهای سرکوب (عمدتا سپاه پاسارگاد و با کمیته های امام) علیرغم میل و اراده کارگران و با تصویب لایحه برای قانونی کردن آنها و تبدیلشان به شورا های فرمایشی و سازشکاره اشغال بقولی "تسخیر" شوراها از جانب توده های نا آگاه تحریک شده توسط انجمن های اسلامی و دیگر زوائد حزب جمهوری اسلامی و غیره، اشکال و شیوه های متنوعی بوده است که تا کنون مورد استفاده جناح های مختلف حاکمیت قرار گرفته است.

آقا میرثیس جمهور نیز از همان ابتدای کار با بیان صریح "شورایی شورا" موضع خود را در قبال این تشکلهای کارگری روشن کرد و اخیرا در نطق خود در قزوین (شهر

پیام خانواده شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

هموطنان مبارز، خواهران، برادران و فرزندان فدائی ما درود بیکران به همه شهیدانی که در راه آرمانهای خلق و بخاطر نجات انسانها از شقاوت و ظلم مبارزه کردند و به شهادت رسیدند. درود بر آنها که سرافراشته و با گامهای استوار پرچم خونین و پرافتخار رزم کارگران و زحمتکشان را بدوش کشیدند.

بی آنکه غمی بدل داشته باشیم، خود را در میان شما که هر کدامتان فرزندان ما و فدائیان ما، خلیفید، سرشار از غرور و عشق میدانیم، غرور و شور ما از این است که فرزندان شهیدمان اینک در قامت صدها هزار فدائی جان گرفته اند و مصمم و سازش ناپذیر به راه پرافتخار و زندگی ساز خویش ادامه میدهند.

ما امروز تنها بعنوان مادران و خانواده های شهیدان فدایی، بلکه بعنوان کسانی که خود را وارث انقلابیترین سنن مبارزاتسی میثنا سندیکبار دیگر وفاداری خود را به آرمان انقلابی شهدای فدایی خلق اعلام میداریم و پیمان میبندیم که تا پیروزی نهایی و رهایی کامل زحمتکشان از بندهای ستم جامعه طبقاتی سنگر زحمتکشان را رها نکنیم.

تاریخ سرافتخار و سازش ناپذیر سازمان چریکهای فدایی خلق که با ده سال مبارزه پیگیر و فاطح اینک برای مردم ما به امیدی بدل گشته است، مسئولیت بزرگی را بدوش

نیروهای انقلابی میکذارد که بی توجهی به آن قطعا جنش را با خطرات جدی مواجه خواهد ساخت. از همین رو باید ماهیت سازشکارانه آنها را که تحت نام فدائی و با شناختی دروغین از شهدا، خود را وارث سنن انقلابی فدائیان راستین میدانند، افشا کنیم.

ما نباید بگذاریم حاصل ده سال مبارزه خونین و قاطعانه فدائیان راستین خلق که امروز بصورت اعتماد عمیق بوده ها به سازمان تجلی یافته، بدست سازشکاران مورد سوء استفاده قرار گیرد و در عمل علیه منافع خلق بکار گرفته شود.

ما باید در چنین شرایطی که راه نیروهای سازشکار درون سازمان با نیروهای انقلابی از یکدیگر جدا شده، قاطعانه جناح انقلابی را مورد حمایت قرار داده و در افشا فرصت طلبان درنگ نکنیم.

به اعتقاد ما هر کس که خود را وابسته به سازمان چریکهای فدائی خلق میدانند و ایمان دارد که در میان نیروهای انقلابی، بیشترین بار مسئولیت رهبری آگاهانه ستمکشان بدوش

این سازمان قرار گرفته، نباید در منفرد کردن سازشکاران لحظه ای تعلل کند.

باید به مردم یگانگی اینان را با توده ایها و بیگانگیشان را با توده ها نشان داد و فرق بین فدائیان دروغین و فدایی اصیل و انقلابی را مردم گفت.

بخاطر بیاوریم ایمان تزلزل ناپذیر، رزمندگان فدایی را که تا واپسین دم زندگی لحظه ای ایمان خود را به آرمان انقلابی طبقه کارگر از دست ندادند. بیاوریم که ایمان راسخشان به توده ها (چه در زیر شکنجه و چه در میدانهای تیر) چه حماسه هایی آفرید. و از یاد نبریم که از هر قطره خونشان فدائیان بیشماری برخاستند و فریاد زدند:

برافراشته با دیرچم خونین و پرافتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ما خانواده شهدای فدائی خلق با ایمان خلل ناپذیر به آرمانهای انقلابی و قاطعیت فرزندان خویش در مبارزه طبقاتی، سازشکاری و مماشات جوشی را عمیقاً با فرهنگ و منش فدائی بیگانه میدانیم و اعلام میداریم با حمایت از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) و طرد و منزوی نمودن سازشکاران کمیته مرکزی یاد صدها شهید فدایی خلق را زنده نگاه خواهیم داشت و راه پرافتخارشان را ادامه خواهیم داد.

خانواده شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

لغو اجازه میتینگ و راهپیمائی گامی

قیام شکوهمند خویش رژیم دیکتاتوری شاه را سرنگون کردند

بقیه از صفحه ۱

این خود سربهارات حمل مبارزه کردند و برای کسب آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک زحمتکشان خونهای بیشماری فدا کردند و به نیروی خود رژیم دیکتاتوری را سرنگون کردند و توده های زحمتکش نیروهای راستین و انقلابی را بخوبی می شناسند، و عوام فریبی هیئت حاکمه قادر نیست آنها را بفریبد.

وظیفه نیروهای انقلابی و مترقی است که ماهیت این توطئه های تنگن و ضد انقلابی را برای توده ها فاش سازند و اقدامات هیئت حاکمه را در جهت نابودی تمام دست آوردهای قیام خونین خلق و نابودی حقوق و آزادیهای دمکراتیک برای مردم روشن سازند.

محروم می گردند ولی در همان حال عوامل مرتجع - فاشیست و چماق داران - مورد حمایت دولت قرار می گیرند. این اقدامات در جهت محسوس دستاوردهای قیام بوده و چیزی جز هموار کردن راه برای استقرار سلطه کامل امپریالیسم و باز سازی نظام سرمایه داری وابسته نمی باشد. مسئولین امور باید بدانند که سرکوب نیروهای انقلابی هیچگاه قادر نبوده است جلوی فعالیت سیاسی آنها را بگیرد. اگر چنین بود مسلماً رژیم دیکتاتوری شاه در این امر موفق می شد. تاریخ از پیش مهر بطلان بر این قبیل اعمال ارتجاعی و ضد دمکراتیک کشیده است. توده های زحمتکش ایران که با مبارزات قهرمانانه و خونین و

دولت جمهوری اسلامی در جهت محسوس دستاوردهای قیام بهمین ماه و پیمان نمودن آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم عمل کرده است. سرپرست وزارت کشور تکلیف نیروهای انقلابی را به مجلس محول می کند ولی عملاً هم اکنون با لغو اجازه میتینگ و راهپیمائی نیروهای سیاسی و توفیق نشریات آنها عملاً آنها را غیر قانونی اعلام کرده است. نیروهای سیاسی ای که سالها در رژیم دیکتاتوری شاه و امپریالیسم نبرد کرده اند و نیز صد ها شهید داده اند و امروز نیز برای محو نابودی سیستم سرمایه داری وابسته مصممانه به مبارزه خود ادامه می دهند، از حق فعالیت سیاسی آزاد

بی مانند خویش در میدانهای نبرد زیر شکنجه جلادان ساواک و در درگیریهای مسلحانه در راههای زحمتکشان شهید شدند، ماهیت این عمل را به روشن ترین شکل آشکار میسازد. دولت جمهوری اسلامی از همان آغاز در جهت محدود کردن آزادیهای سیاسی گام برداشته است. حمله به دفاتر و ستادهای نیروهای انقلابی، تعطیل آنها، غیر قانونی کردن نشریات سازمانهای انقلابی، تعقیب و دستگیری و زندانی کردن انقلابیون و فرروشنندگان نشریات سازمانهای انقلابی و تعیین سناشش ماه زندان برای فرروشنندگان نشریه "کار"، سرکوب خلقهای تحت ستم، ممنوعیت اعتصاب کارگران، سرکوب دهقانان و... همه و همه نشان دهنده آنست که

کشور که با لغو اجازه مراسم یادبود شهدای تیرماه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در روز هفتم تیرماه آغاز گردید، بخوبی بیانگر ماهیت این عمل و اهدافی است که دنبال میشود. هنگامیکه وزارت کشور اجازه برگزاری مراسم یادبود شهدای انقلاب ایران را که توسط خانواده شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران کسب شده بود، لغو می کند، دیگر پوشش لغو میتینگ و راهپیمائی، می خواهند باز بر پا گذاشتن و محو آزادیهای سیاسی فعالیت نیروهای انقلابی را محدود سازند. لغو مراسم یادبود شهدای فدائی که در دوران سیاهترین دیکتاتوری به مبارزه برخاستند و با فداکاریها و جانباریهایی

"مجلس شورای اسلامی تکلیف فعالیت سیاسی این گروهها را روشن خواهد کرد" سرپرست وزارت کشور توضیح بیشتری نداد و تنها اشاره ای به رهنمودهای امام کرده و با تاکید بر که بر تعیین تکلیف فعالیت سیاسی سازمانها و احزاب در مجلس نمود. نشان داد که مسئله صرفاً به لغو محسوس ناآغاز رسمی کار مجلس محدود نمی گردد بلکه فراتر از آنست و بطور کلی فعالیت سیاسی احزاب و سازمانهای مختلف را در بر می گیرد. این اقدام وزارت کشور توطئه ایست علیه نیروهای انقلابی و مترقی و هدفی جز فشار بر نیروهای انقلابی و محسوس نمودن آزادیهای سیاسی را دنبال نمی کند. نخستین اقدام عملی وزارت

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۳)

حمایت از شورا و تمایل به تشکیل آن هر روز گسترش می یابد

در هر واحدی که کارگران پیشرو حضور داشتند یا روشنفکران بشورا آمده در جریان قیام پایشان بآن جایز شده بود، صحبت از تشکیل کارگران جهت احقاق حقوق بود. جلسات عمومی، میتینگ ها بحث و گفتگوها و سخنرانی های پی در پی در روزهای اول شروع کار فضایی کارخانه ها را پر کرده بود (این امر بخصوص در تهران نمایان بود).

شورایا سندیکا؟ کدامیک؟ این مسئله کارگران پیشرو در رابطه با تامین منافع طبقاتی در آن لحظه خاص تاریخی بود و این در حالی مطرح بود که نه تنها کارگران پیشرو بلکه سازمانهای سیاسی مارکسیست - لنینیست نیز بدلیل نداشتن پیوند کافی با کارگران و تحلیل مشخص از وضعیت طبقه کارگر برای آن پاسخی صریح نداشتند.

(خود ما در آن مقطع گفته بودیم "سندیکارا ایجاد کنیم ما فعالیت خود را بسندیکا محدود نکنیم." و این بوضوح، ابهام در نقطه نظرات ما را نشان میدهد.) آنجا که کمیته های اعتماد شکل گرفته بود (و تعدادشان هم محدود بود) و عمدتاً نیروهای انقلابی و مبارز در آنها حضور داشتند سرعت و بسادگی شورایی با مضمون واقعی راییزی کردند و کارگران در

انتخاباتی دموکراتیک نمایندگان خود را برگزیدند و شورا کنترل و اداره امور واحد را بدست گرفت و این عظیم ترین تجربه کارگران ایران در جهت درک منافع طبقاتی و توان انقلابی خود مشابه

حالات با مختصر رهنمودی که از سازمانهای سیاسی به آنها رسیده بود دست بکار شدند و قدرت کارگری را اعمال کردند: کنترل کارخانه و اداره آن تحت رهنامی (اگر قبلاً سندیکا

یک طبقه بود. اما در اکثریت قریب با اتفاق واحدهای تولیدی، در آن واحدهایی که کارگران تجربه مبارزاتی نداشتند و فاقد تشکلی توده ای، انقلابی و فعال در روزهای قبل از قیام بودند، دو حالت اتفاق

بود تحت همان نام سندیکا این کنترل اعمال میشد؛ سندیکای سرخ، از جمله در شرکت فسان و کارخانه سارا و ل در تهران و کارخانه پی (یو رشت و غیره). دوم: آن واحدهایی که صاحب کارخانه و

اول: آن واحد هایی که سرمایه داران و صاحبان فـرآر کرده بودند یا قبلاً دولتی بودند و مدیران عالی رتبه و دیگر عوامل کارفرما بهر عنوانی در کارخانه حاضر نمی شدند و امرا را اندازه کارخانه و بحرکت در آوردن چرخ تولید در دستور کار قرار گرفته بود.

درین واحدها کارگران بحکم غریزه طبقاتی و در بهترین

بود که کارگران همراه بانفی رژیم شاه، قوانین اورانیزنسی کرده بودند و دیگر حاضر نبودند همان قوانین ناظر بر روابط آنها با سرمایه دار و عوامل او باشد. و درین رابطه

کارگران همراه بانفی رژیم شاه، قوانین اورانیزنسی کرده بودند و دیگر حاضر نبودند همان قوانین ناظر بر روابط آنها با سرمایه دار و عوامل او باشد. و در همین رابطه مقاومت و پیگیری می کردند.

مقاومت و پیگیری می کردند الف: آنجا که کارگران سابقه مبارزاتی داشتند: مسلم بود که در چنین واحدهایی عناصر آگاه و مبارز (حداقل با آگاهی تری دیونیونیستی وجود داشت و همین ها بودند

شکل عمده مبارزه در راههای اول بعد از قیام تحصن بود [۹۵٪ موارد]، مـرور و در اثر شکستن اعتماد آگاهانم کارگران بدولت و مشاهد عدم پاسخگویی دولتی به خواسته های ایشان تحصن جای خود را بتدریج به اعتراض داد بطوریکه از ۲۲ مورد حرکت اعتراضی ثبت شده در فروردین ماه [۵۸] هیچکدام مورد اعتصاب بوده است.

عوامل او حضور داشتند درین واحدها بسته سطح آگاهی، تجربه مبارزاتی کارگران، تشکلی قبلی آنان، حضور یا عدم موقعیت کارفرما یا صاحب کارخانه در آن لحظات (ارتباطش با مقامات دولت جدید یا نفوذ او و عواملش در کمیته ها و غیره) وضعیت های مختلفی بوجود آمد. اما آنچه در اغلب موارد بدون توجه به عوامل فوق مادی بود، این

رهبری روحانیت را پذیرفته بودند و با تمام قوا در جهت پیاده کردن رهنمودهای امام و دولت منتخب او میکوشیدند. حال اگر چنین واحدهایی از آن مدیران یا سرمایه دارانی بود

که بنحوی از انحصار دولت موقت نفوذ داشتند (در کمیته ها و روابط خانوادگی، تخصص و غیره) با با نحراف کشانیدن شور مبارزاتی کارگران با تکیه رهنمودهای دولت موقت و آیت الله خمینی؛ عملاً مبارزه طبقاتی را به سازش طبقاتی تبدیل می کردند و در چنین مواردی مبارزه جویی کارگران حتی با سرکوبهای شدید دولت و سیاه پاسداران مواجه میشد. نقش عناصر آگاه

کمونیست در این چنین واحدهایی بسیار تعیین کننده بوده است بدین ترتیب که این عناصر (و در بهترین حالات هسته های سرخ سازمانهای سیاسی مارکسیست - لنینیست) با انجام وظایف خود (تبلیغ اقتصادی و سیاسی برای پیروان) توانستند در پاره ای موارد ماهیت تشکلی موجود در کارخانه را به کارگران

بشناسانند و ضمن بالابردن آگاهی توده کارگران، تشکلی ها را رادیکال تر کنند و حتی در مواردی آنها را از زیر رهبری سازمان های وابسته بدولت خارج سازند و با سیاست پرولتاری را جایگزین

بشناسانند و ضمن بالابردن آگاهی توده کارگران، تشکلی ها را رادیکال تر کنند و حتی در مواردی آنها را از زیر رهبری سازمان های وابسته بدولت خارج سازند و با سیاست پرولتاری را جایگزین

سیاست خرده بورژوازی کنند. ب: واحدهایی که سطح آگاهی و تشکلی کارگران در آنها پائین بوده است: به عبارت دیگر در آنها عناصر پیشرو و آگاه وجود ندارد عملاً "کارفرما میکوشید همان جودوره شاهنشاهی را حفظ کند و تولید را با همان شکل خاص مناسبات قبلی ادامه دهد. حتی تکنجه و تشبیه بدنی نیز در واحدهای کوچک تر تولیدی همچنان برقرار بود؛ و اکثر واحدهای تولید در شهرهایی که قطب صنعتی نبودند و یا در واحدهای تولیدی کوچک چنین فضایی حاکم بود.

شعار اقتصاددی عمده کارگران درین مقطع را می توان در "حقوق کارگر پرداخت گردد، نباید کارگر اخراج گردد" خلاصه کرد با این توضیح که منظور از حقوق تنها حقوق عقب مانده و مزایای پرداخت شده در جریان اعتمادیات قبل و بعد از قیام نبود بلکه افزایش دستمزدها متناسب با افزایش قیمتها نیز خواست مورد نظر کارگران بود و منظور از "نپرد کارگر اخراج گردد" نیز تنها عدم اخراج کارگران از حال بیعد نبود، بلکه بازگرداندن کارگران اخراجی گذشته (به دلیل صنفی یا سیاسی) نیز بود. ادامه دارد

فرد خلق
ارگان تئوریک - سیاسی
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
منتشر میشود

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

طرح دولت

بقیه از صفحه ۸

در این صنایع از سر گرفته شده است. دولت مصمم است سهام این صنایع را در معرض فروش بگذارد.

آقای سحابی سرپرست سازمان برنامه بودجه ضمن اعلام این خبر تاکید کرد، که دولتی بودن اینگونه صنایع رشد را متوقف می کند و از شکوفائی استعدادها می کاهد و قدرت و خلایق را از جامعه سلب می نماید.

خوب بخواه کنید ببینید که استدلال آقای سحابی همان استدلال کهنه و قدیمی سرمایه داران است. سرمایه داران همیشه استدلال کرده اند که اگر صنایع بدست سرمایه داران اداره نشود، رشد تولیدات متوقف می شود و استعدادها امکان شکوفائی پیدائی کنند و جامعه از حرکت باز می ایستد! حال باید پرسید که اگر بپذیریم خریداران این سهام همان سرمایه داران هستند، آیا منظور آقای سحابی نیز از منکرین و خلاقان جامعه چه کسی جز سرمایه داران است که در پشت میز ریاست یا سرپرستی کارخانه می نشینند و ثمره خلاقیت و آفریده های کارگران را مفت و مجانی بجیب می زنند؟ آیا برآستی سرمایه داران آفریننده و خلاقند یا توده های مردم؟ باید به آقای سحابی "لیبرال" گفت که منکرین واقعی، تولیدکنندگان جامعه یعنی کارگرانند و نه سرمایه داران پس بهتر است آقای سحابی

در این صنایع از سر گرفته شده است. دولت مصمم است سهام این صنایع را در معرض فروش بگذارد.

آقای سحابی سرپرست سازمان برنامه بودجه ضمن اعلام این خبر تاکید کرد، که دولتی بودن اینگونه صنایع رشد را متوقف می کند و از شکوفائی استعدادها می کاهد و قدرت و خلایق را از جامعه سلب می نماید.

خوب بخواه کنید ببینید که استدلال آقای سحابی همان استدلال کهنه و قدیمی سرمایه داران است. سرمایه داران همیشه استدلال کرده اند که اگر صنایع بدست سرمایه داران اداره نشود، رشد تولیدات متوقف می شود و استعدادها امکان شکوفائی پیدائی کنند و جامعه از حرکت باز می ایستد! حال باید پرسید که اگر بپذیریم خریداران این سهام همان سرمایه داران هستند، آیا منظور آقای سحابی نیز از منکرین و خلاقان جامعه چه کسی جز سرمایه داران است که در پشت میز ریاست یا سرپرستی کارخانه می نشینند و ثمره خلاقیت و آفریده های کارگران را مفت و مجانی بجیب می زنند؟ آیا برآستی سرمایه داران آفریننده و خلاقند یا توده های مردم؟ باید به آقای سحابی "لیبرال" گفت که منکرین واقعی، تولیدکنندگان جامعه یعنی کارگرانند و نه سرمایه داران پس بهتر است آقای سحابی

و چهار صد و پنجاه و دو هزار و نه صد و شصت و هکتار است (به فتوای الهی برگردانند. باز هم به خود انتقاد می بینم و خود را مقصر میدانم باید به این مسئله توجه می داشتم که این افراد (فتوای الهی) در بعضی موارد در جاهائی دست دارند و تمام زحمتهای ما را بر باد می دهند... من مسائل را به دادگاههای می سپردم که به ضرر مردم و انقلاب رای داد. آقای اصفهانی تلویحاً نکته ای را فاش ساخته و نشان داده است که در دولت جمهوری اسلامی عملاً قدرت دولتی در دست کیست و علیرغم تبلیغات بسیار و تلاش عناصر

می نویسند: "من در اوایل کارم در وزارت کشاورزی بیش از حد به دولت خوشبین بودم و فکر میکردم که وعده هایی که در بعضی جلسات به ما میدهند عمل میشود. آنچه آقای رضا اصفهانی از آن سخن میگوید چیزی جز اعتماد ناآگاهانه خرده بورژوازی به بورژوازی نیست. اعتمادی که در عمل به پشتیبانی از بورژوازی و پیروی از سیاستهای آن در کلیه مسائل مهم و قطعی انجام میدهد. آنرا به زنده بورژوازی تبدیل کرد و آنچه آنها بدان دست یافتند گرفتن گذشته های ناچیز بسیار کوتاه مدت برای قشر فوقانی خرده بورژوازی بود.

در می یافتند که دولت نه تنها بمنافع آنان توجهی نمی کند بلکه منافع دشمنان طبقاتی آنان را پاسدار است و از همین رو خود را با "دست به اقدام زدند و مصادره و تقسیم زمین ها توسط دهقانان به میزان قابل توجهی افزایش یافت. پس از سقوط دولت بازرگانان و ادمام دولت در شورای انقلاب هیاهوی زیادی درباره طرحهای جدید کشاورزی برآه انداخته شد آقای رضا اصفهانی معاون جدید وزارت کشاورزی در دهم آذر ماه سال گذشته در پاسخ این سوال که "آیا فرم ارضی که مورد نظر شماست با مصادره ارضی وسیعی که هم اکنون در دست

از کشاورزان (!) تهیه شده بود تنها اراضی موات را در بر می گرفت و این در صورتی بود که اراضی موات قبلاً توسط کسی به ثبت نرسیده باشد. بند ۳ و ۲ طرح نحوه واگذاری واحیاء ارضی که همان "لایحه" زمینداری بود، به تصرف اراضی توسط زمینداران که با قلداری و تضییع حقوق دهقانان صورت گرفته است، جنبه قانونی می بخشید و سالیان دراز احیاء و زورگویی آنان را بر دهقانان تأیید می کرد. علاوه بر این هنگامیکه میلیونها دهقان کم زمین و بی زمین از کمبود و کوچکی زمین و نیز نداشتن آن رنج می بردند، فرصت سه ساله

نمایندگان خرده بورژوازی و مسئله ارضی

بقیه از صفحه ۱

افراد کی که "حسن نیت" در بی اجرای فرمایشی هستند، در عمل مسائل چگونه پیش برده میشود. چگونه بورژوازی با درد دست گرفتن و اشغال نقاط حساس و مراکز و پستهای مهم، سیاستهای راه پیش می برد و برای نمایندگان خرده بورژوازی مقامهای فرعی دست و پامی کند بطوری که مجبور گردند در عمل دنباله رو بورژوازی باشند.

عدم توسل به اقدام انقلابی برای حل مسئله ارضی دست یازیدن به شیوه های فرمیستی، ارائه طرحهایی که به هیچوجه قادر به حل مسئله ارضی در ایران نیست و نیز عدم اجرای خود این طرحهای فرمیستی، در عمل برنامه های دولت جمهوری اسلامی را در این زمینه بر مصلح میسازد.

حال اپورتونیستهای می توانند هیاهو برآه بیاندازند و قدرت دولتی را در دست خورده بورژوازی، بدانند، دولت کتونی را انقلابی و ضد امپریالیست بخوانند و پیروزی انقلاب دمکراتیک را تبلیغ کنند، اما واقعیات یک خط بطلان بر نظریات آنان خواهد کشید.

اینرا آقای اصفهانی بزبانی دیگر چنین بیان می کند: "بانکها همکاری یک برای دادن وام باید با ما داشته باشند، نداشتند و این در حالی بود که مبالغی گراف به سرمایه داران وام میدادند و حال آنکه وامهای شش تا ده هزار تومانی کشاورزان با ۷۲ مشکل روبرو بود". سپس آقای رضا اصفهانی از عدم همکاری ارگانهای دولتی شکوه کرده و ماهیت واقعی دادگاههای انقلاب را بر ملا می سازد و می گوید: "من به دادگاههای انقلاب بسیار خوشبین بودم و تصور میکردم که دادگاه انقلاب به حق مردم توجه دارد. در حالیکه بسیاری از این دادگاههای انقلاب به نفع فتوای الهی حکم صادر کرده و زمینهایی را که ما (وزارت کشاورزی) به کشاورزان داده بودیم (توجه کنید که طبق مصاحبه آقای اصفهانی سند حدود دو بیست هزار هکتار ارضی تقسیم شده به امضاء رسیده است و کل ارضی مکانیزه یکصد هکتار به بالا طبق آمار سال ۱۳۵۳ حدود دو میلیون

مالکان بزرگ قرار دارد شروع خواهد شد؟ گفت: "بله". این نظرات در روز دوشنبه ۱۷ آذر ماه مجدداً از طرف رضا اصفهانی مورد تاکید قرار گرفت. رضا اصفهانی اعلام داشت که "زمینهای مالکان بزرگ مصادره میشود، زمین بطور عادلانه در میان دهقانان تقسیم خواهد شد. بهره و ام کشاورزی ظرف یک هفته آینده لغو میشود. ابتدا در گنبد و کردستان زمین تقسیم خواهد شد". البته آقای رضا اصفهانی و دیگر نمایندگان خرده بورژوازی در حاکمیت "نیات حسنه بسیار داشتند و خیر خواهانسه" میکوشیدند در جهت تأمین منافع دهقانان گامهایی بر دارند. اما این که تا چه اندازه می توانستند می توانستند در حاکمیتی که قدرت دولتی عملاً در دست بورژوازی است این خواستهارا (هر چند در حد رفرم) عملی سازند، بهتر است از زبان خودشان بشنویم.

رضا اصفهانی در انتقاد از خود در روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۲۷۸ مورخ شنبه ۲۴ خرداد

قابل شدن برای احیاء زمینهای که توسط زمینداران بزرگ غصب شده است در عمل چیزی جز بی توجهی به خواست طبیعی دهقانان محروم و حمایت از زمینداران نبود. سیاست ضد دهقانی دولت بازرگان یا تسلیح زمینداران بزرگ در فارس، کردستان، آذربایجان، سیستان و بلوچستان و غیره جامعه عمل پوشید و با سرکوب دهقانان همراه شد.

لایحه زمینداری یا "طرح واگذاری واحیاء ارضی" حاکی از حمایت دولت بازرگانان از زمینداران بزرگ بود. در "لایحه زمینداری" نه تنها از مصادره اراضی بزرگ سخنی بهمان نیامده بود، بلکه زمینداران در بی گرفتن اراضی مصادره شده از دهقانان حمایت میدادند و عوامل سرکوبگر آنرا نیز به همراه داشتند. سیاستهای دولت بازرگان اعتراضات دهقانان را گسترش بیشتری داد. آنان با تشخیص سیاستهای کشاورزی دولت در تجربه روزمره خویش

توضیح و پیوست

در "کار" ویژه هشت تیر در صفحه آخر ستونهای ۳ و ۴ اشتباه چاپ شده است.

ستون ۳ بجای ۵ ستون ۴ بجای ۳ ستون ۵ بجای ۳ ستون چهارم چاپ شده است.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

جاودان باد خاطره

شهادت قهرمانانه کارگران نساجی قائم شهر (شاهی)

در تاریخ جنبش کارگری جهان به مواردی که رژیمها بر خورد می کنند که رژیمهای سرمایه داری با قهر و زور انقلابی به سرکوب کارگران پرداخته اند. در تاریخ جنبش کارگری میهن ما نیز موارد متعددی را میتوان ذکر کرد که مبارزات کارگران را بشکل قهرآمیز سرکوب کرده و خواستهای بحق آنها را با رگبار مسلسل پاسخ داده اند در تیرماه ۵۴ هنگامی که هشتاد و دو دیکتاتور سیاه و سهمگین رژیم مزدور شاه بر جامعه ما حاکم بود، یکبار دیگر اعتصاب کارگران مبارز نساجی قائم شهر (شاهی سابق) با توسل به سرنیزه و تفنگ در هم کوبیده شد.

کارگران مبارز نساجی قائم شهر که از سنتهای دیرینه مبارزات سوسیال پرورداری و نمونه های درخشانی مبارزات آنان در تاریخ جنبش کارگری میهن ما به ثبت رسیده است یکبار دیگر در سال ۵۴ صفحه خونین دیگری بر صفحات تاریخ جنبش کارگری و تجربه مبارزاتی کارگران میهن ما افزودند. اعتصاب کارگران نساجی شاهی که در تیرماه ۵۴ بخون کشیده شد، در اوایل خرداد ماه شکل گرفت کارگران بخاطر عدم پرداخت سود ویژه از سوی کارفرما، دست با اعتصاب دوازده ای زدند، و کارفرما را مجبور به پرداخت سود ویژه کردند. اما بعلاوه عدم پرداخت تمامی سود ویژه، دوباره اعتراض کارگران بالا گرفت. کارفرما ادعا می کرد که بیش از مبلغ پرداختی سود ویژه ای به کارگران

پسر می رسد دوباره روز تسداعی

و اینبار تکرار می شود همچنان که صد ها بار روز بخون کشیدن اعتصاب کارگران نساجی شاهی گهگاه اگر در دل دیکتاتوری، یک بغض پر کینه می ترکد و گاهی اگر، جرقه ای کوتاه در مقابل تارهای بهم پیچیده سرمایه قدر است میکند که این منم، دستانی که دیگرمی خواهد بسته باشد بوزنجیر استعمار! آزموه تر میگردد هر بار، با هر سرکوب و هر گرفتار، و می خواند با قمتی برافراشته و استوار، که ای حاکمان سرمایه! هر قدر بر خاکمان کشید، هر چه در شبهای ظلمانی سرب در حلقه فرمان ریزید باز فریاد میکنیم، حاکمیت سرمایه سرتنگون خواهد شد. تجربه مبارزات کارگران جهان ما را آموخته است، تنگدشته باشیم از نظامی که استعمار پنهان را اکنون به هزار رنگ و موجه و برحق جلوه می دهد آری آموخته ایم تسخیر کنیم آنگاه، که بر فروکش مبارزات ما چشم دوخته اند. که جنبش کارگری،

الفبای مبارزه طبقات را بدینگونه آموخته است بفریاد بگویدشان بادهانی سرخ نوکران تملق گوی و نوپای سرمایه ما چشم را به فریاد کوره پزخانه ها باز کرده ایم ما پژواک فریادهای کارگران چیت جهانیم مادر این نبرد چه چیزی از دست خواهیم داد؟ جز زنجیر دستانمان؟ و امروز با زور دیگریست برگزیده زحمتکشان، بردستان صیوری که استوار خواهد نگاشت بارنگی از خون زنده باد کارگران، زنده باد کارگران قهرمان نساجی شاهی و خون سرخشان پرچم افراشته مبارزات کارگران جهان باد

مرگ بر امپریالیسم
مرگ بر سرمایه
زنده باد کارگران

کارگران پیشرو غرب تهران

تعلق نمی گیرد کارگران با اراک و اسناد مدارک به وزارت کار و استناداری بی اعتباری گفتار کارفرما را افساء کردند. اما در مجموع خواستهای برحق آنان برآورده نگردید. تیرماه ۵۴، پس از گذشت بنا بر این کارگران شیوه دیگری از مبارزه را برگزیدند و یکپارچه و متشکل دست به اعتصاب زدند. بعد از ظهر یکشنبه ۸ تیرماه ۵۴، پس از گذشت

دو هفته از اعتصاب نخستین اعتصاب دوم خود را آغاز کردند آنها در حالیکه خشم انقلابی خود را به نمایش گذاشته بودند. بسوی دفتر رئیس کارخانه سرازیر شدند. اما چیزی نگذشت که نیروهای سرکوبگر رژیم شاه به کارخانه ریختند و بجان کارگران افتادند، اما کارگران قهرمانانه به مقاومت برخاستند و مزدوران شاه را از کارخانه فراری دادند.

هیبت خشم انقلابی کارگران رژیم مزدور را به وحشت انداخته بود، اعزام نیروهای کمکی سرکوب به "شاهی" آغاز شد از شهرهای های ساری بابل، آمل و نیز پادگان شیرگاه نیروهای سرکوب عازم شاهی شدند. در این میان کارگران به غیابانها ریختند و راه شاهی به ساری را بستند.

شب هنگام نیروهای کمکی سرکوب فرا رسیدند و از کارگران خواستند که به کارخانه بازگردند، تا به خواستهایشان رسیدگی شود. در همین هنگام گروه

زیادی از مردم زحمتکش و محصلین، در بیرون کارخانه به حمایت از کارگران برخاستند و با ایجاد راه بندهای مصنوعی سعی در پراکندن نیروهای دشمن نمودند. همراه با با لگرفتن موج مبارزات عملا در شهر حکومت نظامی برقرار شد، رگبار مسلسل های دژخیمان بمباران شد. کارگر شهید و حدود ۷۰ تا ۸۰ تن زخمی شدند و تعداد زیادی از کارگران محصلین و زحمتکشان شاهی دستگیر و روانه زندان شدند. کارگران نساجی شاهی شهید شدند، مبارزه آنها

قطب زاده وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه اخیر خود در پاریس شرط آزادی گروهگانه را اعطای امتیازات اقتصادی و سیاسی از سوی آمریکا قرار داد. وی در این مصاحبه گفت "در باره تصمیم آینده پارلمان ایران راجع به سرنگوست کارگانه بسیار خوشبین است" (جمهوری اسلامی چهارشنبه ۵۹/۴/۴) قطب زاده که پس از واقعه

محکوم نمودن جنایات آمریکا شد. اما عملاً این اجلاس را که نمایندگان شرکت کننده در آن بسیاری از رژیمهای سرسپرده و وابسته به امپریالیسم بودند بر علیه شوروی و محکوم نمودن آن تبدیل نمود و جنایات آمریکا در ایران را لاابوشانی کرد. روابط بسیار صمیمانه ایشان با قاضی شاهی وزیر خارجه پاکستان که از عمال شناخته شده آمریکا است، ماهیت قطب زاده را بهتر به مردم میهنمان نشان

قطب زاده و مساله

گروگانها

میدهد. اما قطب زاده که بهر حال باید برای روابط فوق توجیهی بیاورد، اظهار میدارد: "بنظر من پاکستان کشورگاملا" وابسته ای نیست، چون از ۲۵ هزار آریانا هند ما فانی که روزی ۲ میلیون تومان مخارج دارند، پذیرائی می کنند (کپهان چهارشنبه ۵۹/۴/۴) آقای وزیر خارجه که با فراموش کرده اند که شاه مخلوع نیز سالها از پناهندگان عراقی پذیرائی می کرد، پس با استدلال ایشان رژیم شاه هم، وابسته به امپریالیسم نبوده است!! آقای قطب زاده در پست وزارت امور خارجه، سیاستش را اعمال می کند که کاملاً در خدمت امپریالیسم است و اگر بپذیریم سیاست خارجی هر کشور انعکاس برادار سیاست داخلی آن کشور است، ماهیت سیاستهای بورژوازی جمهوری اسلامی روشن میشود. اما مردم میهن ما تلاشهای مذبحخانه آقای قطب زاده و امثالهم را که هدفی جز استحکام مواضع امپریالیسم در جامعه ما ندارد، محکوم کرده و ناقطع کامل وابستگی های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی به امپریالیسم جهانی و نابودی پایگاه داخلی اش، قاطعانه مبارزه خود را ادامه میدهند.

سرکوب شد، اما شعله های امروزان مبارزات توده های مردم در شمال و سراسر ایران زیانناک کشید و شور و شوق مبارزاتی را گسترش داد. طبقه کارگر ایران یکبار دیگر تجربه ارزشمندی آموخت. کارگران دریافته اند که سرمایه داری یک طبقه دژخیمان بمباران است و دولت و تمام ارکانهای سرکوب آن، از مناسبات استثمارگری که رگر شهید و حدود ۷۰ تا ۸۰ تن زخمی شدند و تعداد زیادی از کارگران محصلین و زحمتکشان شاهی دستگیر و روانه زندان شدند. کارگران نساجی شاهی شهید شدند، مبارزه آنها



به تجربه آموختند که تنها با اتحاد و وحدت عمل می توانند در مقابل سرمایه داران بايستند و به خواستهای برحق خود جامعه عمل ببوشانند کارگران دریافته اند که هرگاه سرمایه داران نتوانند با شیوه های مودیانه و فریبکاریانه جلومبارزه کارگران را بگیرند، دستگاہ قهر و سرکوب خود را بمیدان فرا میخوانند.

آقای بهشتی باز هم عوامفریبی می کند!

تاریخ: ۱۳۰۳/۱۷
شماره: ۱۵۷۳۳
پست: وزارت اداری و امور داخلی

اداره کل امور مالی

چون جناب مستطاب حجه الاسلام آقای حاج سید محمد حسین بهشتی بموجب فرمان مقام رهبری بر ماسک درواختانی کشور منصوب شده اند بنابراین باستاند ضمیمه ذیل ماده قانون مربوط به هزینه های دادگستری و ثبت و اسناد لغات صوب سال ۱۳۴۲ از تاریخ ۰۸/۱۲/۵۸ حقوق و مزایای ایشانرا معادل حقوق وزارت (حقوق ۱۲۰۰۰ ریال و فوق العاده ۱۲۰۰۰ ریال) با رعایت ماده ۱۰ لایحه قانونی مربوط به حداقل و حداکثر حقوق صوب کشور ای انقلاب جمهوری اسلامی ایران برآورد نماید.

معاون اداری و مالی وزارت دادگستری

تاریخ: ۱۳۰۳/۱۷
شماره: ۱۵۷۳۳
پست: وزارت اداری و امور داخلی

اداره کل امور مالی

چون جناب مستطاب حجه الاسلام آقای دکتر سید محمد حسین بهشتی بموجب فرمان مقام رهبری بر ماسک درواختانی کشور منصوب شده اند بنابراین باستاند ضمیمه ذیل ماده قانون مربوط به هزینه های دادگستری و ثبت و اسناد لغات صوب سال ۱۳۴۲ از تاریخ ۰۸/۱۲/۵۸ حقوق و مزایای ایشانرا معادل حقوق وزارت (حقوق ۱۲۰۰۰ ریال و فوق العاده ۱۲۰۰۰ ریال) با رعایت ماده ۱۰ لایحه قانونی مربوط به حداقل و حداکثر حقوق صوب کشور ای انقلاب جمهوری اسلامی ایران برآورد نماید.

معاون اداری و مالی وزارت دادگستری

"جناب مستطاب بهشتی در حالیکه مطابق این سند، تنها از وزارت دادگستری ماهیانه بیست و پنج هزار تومان حقوق دریافت میکند، عوامفریبانه از کار افتخاری و شغل بی مزد و حقوق دم میزند!

لاید جناب هم مثل جفلاسلام هاشمی رفسنجانی "از جیب" مبارک و از عایدات "مختصر املاک" و باغات پسته امرار معاش میفرمایند!!؟

خیر! "جناب مستطاب" با همه خیرگی، ناشیانه بر آن شده اند تا عوامفریبانه خود را انقلابی و خادم خلق معرفی بفرمایند! اما توده های تحت ستم میهن ما اکنون آگاه تر از آن هستند که فریب این عوامفریبی ها را بخورند. ماهیت بهشتی ها و امثالهم برای توده های میهن ما شناخته شده است. در اینجا صحبت تنها از این نیست که در حالیکه میلیونها نفر از توده های مردم در بیکاری و فقر و گرسنگی بسر میبرند، آقای بهشتی، یکی از سردمداران جمهوری اسلامی و حامی "مستضعفان"!! تنها از وزارت دادگستری ماهیانه بیست و پنج هزار تومان حقوق دریافت میکند، ایشان باید در پیشگاه خلق باین سوالات پاسخ دهند:

- در مذاکرات سری پیش از قیام بین ژنرال هوپز و آمریکا شما چه گذشت؟
- فردوست کجاست و قره باغی چه شد؟
- نقش شما در ویرانگری های کردستان و سرکوب و کشتار توده های مردم چیست؟
- آیا رازان کشور خارج کرده اید یا نه؟
- سوالات بی شمار دیگر...

طرح دولت درز مینه انتقال صنایع دولتی شده به بخش خصوصی



پاسخ اقلیت به نامه "مرکزیت"

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

هنگامیکه توده ها بپا خاستند و موج سهمگین حرکت آنها لرزه بر اندام سرمایه داران و تمامی دشمنان خلق انداخت، بخشی از سرمایه داران وابسته، فرار را بر قرار ترجیح دادند و به همراه خود مبالغ کلانی سرمایه را که طی سالها استثمار طبقه کارگر اندوخته بودند، بردند اما بخشی از صنایع که همانا صنایع وابسته مصرفی و مونتاژ بود با هزینه ها و بدهی های کلان بر جای ماند. توده های مردم بویژه کارگران این کارخانه ها، خواستار مصادره انقلابی این صنایع و کنترل آنها توسط شوراهای کارگری بودند. اما از آنجائیکه قدرت دولتی عملاً بدست بورژوازی افتاد تلاشهای وسیعی برای بازسازی و حفظ مناسبات سرمایه داری آغاز شد. در چنین شرایطی یعنی در شرایط بحران اقتصادی و متورنی شدن سرمایه داران دولتی طی تبلیغات وسیع و گسترده ای این صنایع را دولتی اعلام کرد.

هدف دولت نه ملی کردن این صنایع بشفیع توده ها بلکه دولتی کردن آنها بمنظور سرو سامان دادن و بازگرداندن مجدد آنها به سرمایه داران بود.

طبق آمار رسمی دولت ۷۱٪ اینگونه صنایع که هر یک بیش از ۱۵۰ کارگر داشتند تحت نظارت و کنترل وزارت صنایع و معادن قرار گرفتند. این وزارتخانه نمایندگان گانه جهت کنترل نظارت بر امر تولید تعیین کرد و با تهیه مواد اولیه و واسطه های و نیز با افزایش اکثر قراردادهای پیشین با انحصارات جهانی، تولید را آغاز نمود.

بگذریم از اینکه تولیدات این صنایع وابسته، در گذشته منطبق با سیاستها و برنامه ریزی های امپریالیسم طرح ریزی شده بود و هیچگونه انطباقی با نیازهای واقعی جامعه ما نداشت، اما اکنون که بدهی ها و هزینه های کلان این صنایع از در آمد ملی تامین شده و تولید بقیه در صفحه ۶

اعدام انقلابیون را محکوم میکنیم

سحرگاه روز پنجشنبه ششم تیر ماه، به حکم دادگاه انقلاب اسلامی هواز دوتن را انقلابیون اعدام شدند. دادگاه با اصطلاح انقلاب اسلامی، این دوتن را بجرم دفاع از منافع توده های زحمتکش و محروم (تحت عنوان ضدا انقلاب!! و خرابکار!!) به جوخه اعدام سپرد.

در حالیکه دکتر اسمعیل نریمی ساومهدی علوی شوشتری بخاطر دفاع از حقوق زحمتکشان اعدام میشوند، ساواکی ها و عمال لرزیم سابق از زندانها آزاد شده و در مقام های گوناگون بکار گرفته میشوند.

هم اکنون عده زیادی از کارگران و دهقانان و زحمتکشان دیگر بجرم دفاع از دستاوردهای قیام، دفاع از شوراها و حقوق صنفی و سیاسی خود در زندان های جمهوری اسلامی بسر میبرند. بسیاری از جوانان انقلابی بجرم فروش روزنامه و شرکت در میتینگ دستگیر شده اند.

اینست عمق و وسعت مبارزه ضدامپریالیستی!! جمهوری اسلامی نزدیک آنرا منافع توده ها!! سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران این اقدام "دادگاه انقلاب اسلامی" هواز اقدامات مشابه دادگاههای انقلاب اسلامی در مناطق دیگر را علیه زحمتکشان دانسته و از همه مردم آگاه و نیروهای انقلابی میخواهد که در جهت افشای این اعمال ضدا انقلابی بکوشند.

کتابهایی که از طرف سازمان انتشار می یابد با شکل و آرمی که در این صفحه ملاحظه میکنید چاپ میشود. ضمناً کتابهای چاپ شده در "کار" معرفی میشود.

* در صفحه اول کتاب "پاسخ اقلیت به نامه" کمیته مرکزی، پرنسیپ های اکتونومیستی غلط چاپ شده، صحیح آن پرنسیپ های کمونیستی است.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر